

## نقش میرغضب های استبداد و فراشان خلافت در کودتای مصر !

### ننگ با رنگ پاک نه میشود !

ای آزادی و آزادگی ! ترا را میرغضب های استبداد ، فراشان خلافت و نعلین پوشان استبداد باز گرفتند و به زنجیر بستند ، چگونه میتوانند از یکدیگر بگسلند ؟ که نگاه را از چشم باز نه میتوانند گرفت و چشم را از نگاهش نیز ! و من ای آزادی با تو خواهم دید .



تحلیل و نگارش از محمد امین فروتن

### بخش دوم

وقتی نخستین قسمت این یادداشت ام را نوشتم و در مطبوعات و شبکه های اجتماعی انتشار یافت برخی از دوستان ارجمندی که نظریات و نوع نگرش شانرا بهترین وسیله برای دریافت حقیقت میدانم با نوشتن مقالات و یادداشت های معلوم الحالی که بدون شک طراوشی از اندیشه و ایمان شان باید به حساب آورد در واکنش با حادثه درد ناک کودتا علیه دموکراسی و مردم سالاری در مصر مطالب شگفتی را بیان داشتند و حتی المقدور انتشار دادند ، البته نباید تعجب کرد که چگونه در بحبوحه این همه هیاهوی برضد دموکراسی و حکومت منتخب مردم مصر بصورت ناخود آگاه حرف های قلب و ایمان شان نیز برملا گردید چنانچه عده ای از نیروهای بنیاد گرای مذهبی که اصولاً هیچگونه اعتقاد به اصل عدالت و حقوق انسانی ندارند وتاریخ و جغرافیای جامعه صدر اسلام در جزیره العرب را تنها ملاک و معیار برای تمامی زندگی بشر که در اعصار گوناگونی از تاریخ ودر اقصای از جغرافیای این جهان به سرمیبرند محسوب میکنند باگرفتن ژست ریاکارانه ومعیوب سقوط دولت منتخب مردم مصربرهبری دکتور محمد مرسی رابه علت اعتقاد و الزام به دموکراسی و مردم سالاری که منتخب انسان و نه خدا است تعبیر میکنند !! ، جالب و سخت شگفت انگیز است که بااینگونه اظهارات خویش حتی نه میتوانند عقده های آمیخته با رسوبات اعتقادی ، غیر اجتهادی و شرک آلود خویش را بیوشانند

بدون شک که چنین پدیده ها گاه گاهی در بحبوحه انقلابی ترین جریانات مواجه میباشیم و نتیجتاً مطرح ساختن آن بهانه برای پوشانیدن استراتژی اصلی « تروریزم و آدم کشی » در سرتاسر جهان بویژه در کشورهای اسلامی منجمله افغانستان تلقی میشود. سوال اینجاست که آیا واقعاً این بذله گو های ساده لوح و قتی بر تابوت مشروعیت نظام منتخب مردم در مصر اشک تمساح میریزانند و با شعار های بلند بالای آنرا به قبرستان آرزوهای ناشگفته شده یک ملت مظلوم بدرقه میکنند با حکم وجدان تاریخی ای که با رشته های از تحجروخشونت گره زده شده است عمل نه میکنند؟ مضحک است که از یکسو بر تابوت جنازه آزادی و دموکراسی در مصر اشک میریزانند و از سوی دیگر به عنوان فراشان خلافت و میر غضب های استبداد همدست کودتا گران میشوند ! بالاجرای چنین نقش کمیک درتیا تر قدرت در مصر هرانسان آزاده به نتایجی میرسد که در شعر زیبای زبان پشتو به نحو درستی انعکاس یافته و شاعر آن چنین اعمال ریا کارانه را اینگونه به تصویر میکشد !

هم می وژنی پخپله هم په ما باندی ژړا کا

څه بڼه یاردې بڼه یی مینه وژل هسی شیون هسی !

بطور خلاصه باید گفت که نسبت گفتمان فراشان خلافت و میر غضب های استبداد شامل در کودتای اخیر مصر با مؤلفه دموکراسی و مردم سالاری از هر نوع آن با انسان و جامعه ، تاریخ و تمدن باستانی مصر دارای اندکترین تشابه و سنخیتی نیست و با اتکای مطلق و دگماتیک به منابع فقه تاریخی به مثابه احکام ثابت و لایتغیر همه مکانی و همه زمانی مینگردند .

## ننگ با رنگ پاک نه میشود !

اکنون برمیگردیم و به یک رُخ دیگری از تحولات و تغییرات دراماتیک در جامعه مصر نظر می اندازیم و آن این است فرض کنیم وضعیت عمومی و ناگوار در جامعه مصر چنان آشفته و نزدیک به متلاشی شدن بوده ! " که هیچگاه نبوده و نیست " و حتی کسانی که یکسال قبل غرض انجام اصلاحات عمیق اقتصادی و اجتماعی محمد مرسی را برای چهار سال به قدرت آورده بودند به خیابانها برآمدند و رأی خود را واپس مطالبه نمودند که محمد مرسی بجایی دلجوی از آنها دستور بازداشت و تارومار ساختن آنها را داد و در نتیجه ارتش مصر غرض اصلاح امور در نشست اضطراری و پس از اعطای چهل و هشت ساعت مهلت به محمد مرسی رئیس جمهور منتخب مردم که به قول کودتا گران هیچگاه به آن گوش فرا داده نه شد در یک اجماع متشکل از نهاد های که به قول کودتا چیان در مصر همیشه به مثابه ستون فقرات جامعه مصر نقش بازی کرده اند یعنی شیخ الازهر - اسقف تواضروس رهبر قبطیان مصر - "یونس مخیون" رهبر حزب سلفی "النور" که یک دندان پزشک و از پیروان و نزدیکان محمد الظواهری رهبر القاعده میباشد ، محمد البرادعی سابق رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی و از مخالفان اصلی و سکولار دولت منتخب محمد مرسی و جنرال عبدالفتاح السیسی فرمانده قوای مسلح مصر با قرئت یک بیانیه کوتاه بنام آشتی ملی چنین بیان کرد :

« توقف اجرای قانون اساسی به صورت موقت.»

رئیس دادگاه عالی قانون اساسی در مقابل هیئت عمومی دادگاه قسم یاد می کند. برگزاری انتخابات ریاست جمهوری زود هنگام به گونه ای که طی مرحله انتقالی و تا زمان انتخاب رئیس جمهور جدید رئیس دادگاه عالی قانون اساسی مصر اداره امور کشور را بر عهده خواهد داشت. رئیس دادگاه عالی قانون اساسی مصر طی مرحله انتقالی حق صدور بیانیه های قانون اساسی را دارد. تشکیل دولت شایسته سالار قوی و توانا که برای کشور از تمامی اختیارات برای اداره مرحله کنونی برخوردار باشد. تشکیل کمیته ای که دربرگیرنده تمامی طیف ها و کارشناسان باشد برای انجام اصلاحات پیشنهادی در قانون اساسی که به طور موقت اجرای آن متوقف شده است. درخواست از دادگاه عالی قانون اساسی مصر به تصویب پیش نویس قانون انتخابات مجلس نمایندگان و آغاز زمینه سازی برای برگزاری انتخابات پارلمانی. دادن قول شرف رسانه ای که متعهد به آزادی رسانه ها باشد و به قواعد شغلی، بی طرفی، قانونمداری و در نظر گرفتن مصالح عالی ملی پایبند باشد. اتخاذ تدابیر اجرایی برای حضور جوانان در نهادهای دولت تا آن ها نیز در تصمیم گیری ها سهیم باشند. تشکیل یک کمیته عالی برای آشتی ملی که از شخصیت های برجسته تشکیل شده باشد و از اعتبار برخوردار بوده و مورد قبل همه نخبگان کشور باشد و نماینده جریان های مختلف باشد.»

وبدین ترتیب یکبار دیگر نظام مردم سالار و منتخب مردم مصر که ریشه در تاریخ و تمدن مصر داشت با فرمان خونین نظامیان در مصر اما با مشروعیت شوالیه های مذهبی به خاک و خون کشیده شد

به هرصورت آنچه که میخواستیم این است که با قرئت بیانیه ای از ارتش مصر و براندازی نظام مشروع در مصر نه تنها آرامش مطلوب نظامیان و شوالیه های مذهبی برقرار نگردد بلکه به دلیل اینکه این بیانیه مغائر با واقعیت های جاری در جامعه مصر و با دروغ و ریأ کاری با عقل استخبارات بیرونی و هزینه ساختن میلیارد ها دالرنفتی عربستان و امارات تدوین یافته بود سبب گردید تا میلیون ها تن از مصری ها برای اعاده بازگشت نظام مردم سالارمحمد مرسی به خیابانها سرازیر شوند . ارتش تصور می کرد با چنین کودتایی می تواند همه را ساکت کرده و با ابزار رسانه برای خود و همدستانش مشروعیت ایجاد کند اما آنها طرفداران محمد مرسی را دست کم گرفته بودند. کسانی که برای اولین بار در تاریخ چند هزار ساله مصر در انتخاباتی آزاد شرکت کرده و خود سرنوشتشان را تعیین کرده بودند اما حال به چشم خود می دیدند که انقلابشان به سرقت رفته و با زور اسلحه و تزویر ارتش مصالح آنان را به نفع عده ای مصادره کرده و رئیس جمهورشان به مکان نامعلومی برده شده است. این افراد با جرأت به میدانها آمده و به هیچ نحوی حاضر به دست کشیدن از حقوق خود نیستند و اعلام کرده اند برای احقاق حقوقشان و بازگرداندن مرسی به جایگاه قانونی خود حاضرند جان خود را فدا کنند. آنها حتی از هلی کوپتر های جنگی آپاچی که با ارتفاع کم و به همراه تیربارها و موشک هایی که در زیرشان بسته شده و دائماً بر بالای سرشان پرواز می کند ترسی ندارند. از طرف دیگر ارتش در تکمیل جنگ روانی و انبوه رسانه های طرفدارش و با به صحنه آوردن همه امکانات آنان می کوشد تا اخوان المسلمین را مسئول همه حرکت های تروریستی مجهول الهویه در مصر قلمداد کند....

**ادامه دارد**